

## موانع و راهکارهای ارتباط صنعت ورزش و مؤسسات آموزش عالی در استان

### مرکزی

اسفندیار خسروی زاده<sup>۱</sup>، عابد حقدادی<sup>۲</sup>، اکرم کمانکش<sup>۳</sup>

۱. استادیار دانشگاه اراک\*

۲. کارشناس ارشد تربیت بدنی و رئیس اداره ورزش و جوانان اراک

۳. کارشناس ارشد تربیت بدنی و کارشناس اداره تربیت بدنی دانشگاه اراک

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۴/۰۲

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۶/۲۱

### چکیده

هدف از این تحقیق بررسی راهکارهای ایجاد ارتباط بین صنعت ورزش و مؤسسات آموزش عالی در استان مرکزی، و نیز موانعی که بر سر راه این ارتباط وجود دارند بود. جامعه آماری شامل همه فعالان بخش صنعت و مراکز آموزش عالی استان بودند. از فرمول برآورد حجم نمونه برای تعیین حجم نمونه استفاده شد، به طوری که ۲۷۳ نفر در بخش اول به صورت تصادفی طبقه‌ای و ۱۳۵ نفر در بخش دوم تحقیق به صورت غیرتصادفی هدفمند به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌های تحقیق از پرسشنامه‌های محقق‌ساخته موانع ارتباط و راهکارهای توسعه ارتباط بین دو بخش استفاده شد. داده‌ها با استفاده از آزمون‌های دو جمله‌ای و فریدمن در بسته نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۸ تحلیل شدند. طبق نتایج تحقیق، موانع اصلی ارتباط صنعت ورزش و مؤسسات آموزش عالی، به ترتیب عبارتند از موانع فرهنگی، قانونی، آموزشی، پژوهشی، اداری و اجرایی، ساختاری، سیاست‌گذاری و برنامه ریزی، که برای آنها نیز ۴۳ راهکار مشخص شد که از جمله این راهکارها می‌توان به این موارد اشاره کرد: بهره‌گیری از توانمندی همه مراکز آموزش عالی برای توسعه ورزش، ایجاد کمیته برقراری ارتباط با مراکز آموزش عالی در حوزه صنعت ورزش، ارتقای کیفی توانمندی علمی مدیران و کارشناسان صنعت ورزش، افزایش بودجه تحقیقات در حوزه ورزش، بهره‌گیری از یافته‌های پژوهشی مراکز آموزش عالی در صنعت ورزش، تشکیل انجمن دانش‌آموختگان تربیت بدنی و بهره‌گیری از آن برای توسعه صنعت ورزش، جذب دانش‌آموختگان تربیت بدنی در بخش صنعت ورزش استان. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود برای کاهش و رفع موانع موجود، این راهکارها به کار گرفته شوند تا ارتباط این دو بخش، توسعه یابد.

**واژگان کلیدی:** موانع ارتباط، راهکارهای ارتباط، صنعت ورزش، مؤسسات آموزش عالی

### مقدمه

الگوها و مدل‌های ارتباط دانشگاه و صنعت در سه نظام تصادفی، تعاملی و تکاملی تعریف شده‌اند. در نظام تصادفی، دانشگاه و صنعت هر کدام برنامه‌های مستقل و جدا از یکدیگر دارند و هیچ‌گونه برنامه منسجم و مدونی برای ارتباط با یکدیگر ندارند؛ به علاوه، ضرورت و علاقه‌ای نیز برای این کار احساس نمی‌کنند. همکاری آنها به صورت پراکنده و مقطعی است و صرفاً در شرایط خاص صورت می‌گیرد. در نظام تعاملی، صنعت و دانشگاه نیاز به همکاری و شکل‌گیری ارتباط را احساس می‌کنند و برنامه‌های مشخصی برای تقویت و تداوم همکاری در نظر دارند. در نظام تکاملی، صنعت و دانشگاه علاوه بر درک متقابل از ضرورت ارتباط فعال و پویا در تمام زمینه‌های علمی و مطالعاتی، به تشکیل یک مرکز علمی - تحقیقاتی مشترک نیاز دارند تا بتوانند مسائل و مشکلات را با سرعت بیشتری حل و فصل کنند. در تشکیل این مرکز، همکاری متقابل شرط اساسی است و هر طرف به تناسب استعدادها و توانایی‌های خود نقش خواهد داشت (۱). امروزه ارتباط مطلوب صنعت و دانشگاه به عنوان مقوله‌ای کارآمد در راستای توسعه اقتصادی - اجتماعی و موفقیت برنامه‌های آتی یک جامعه، تبدیل به ضرورتی انکارناپذیر شده است. این ارتباط، با توجه به نقشی که این دو نهاد در جامعه ایفا می‌کنند، نیازمند سازوکارهای ویژه‌ای است که بدون پرداختن به آنها و نیز بدون ایجاد زمینه‌های مناسب به عنوان حلقه‌های واسط این ارتباط، نمی‌توان به کارآمدی آنها امیدوار بود. صنعت برای شکوفایی خود و روی‌آوری به دانشگاه، نیازمند زمینه‌سازی و بلوغ خاصی است که بدون آن، چنین شکوفایی‌ای ممکن نمی‌شود. دانشگاه نیز برای جذب صنعت، به توانمندی‌های خاصی نیاز دارد که در صورت شکوفایی آن توانمندی‌ها می‌تواند به روی‌آوری صنعت امیدوار باشد. در نهایت، اتحاد و آمیختگی این دو نهاد است که با تأثیرپذیری و تأثیرگذاری متقابل، زمینه‌های رشد خود و توسعه جامعه را به دنبال می‌آورد. به عبارت دیگر، همکاری این دو، شرط لازم برای موفقیت و شتاب‌بخشیدن به فرایند توسعه، به‌ویژه توسعه پایدار است (۲). همکاری‌های رایج دانشگاه و صنعت عبارتند از: همکاری‌های تحقیقاتی، مدیریتی، فردی، آموزشی، صنعتی، پارک‌های علمی و فناوری، انتقال فناوری، تبادلات غیررسمی و همکاری‌های دیگر (۳). از طرفی، در شرایطی که دانشگاه‌ها بیشتر وقت خود را صرف فعالیت‌های علمی و صرفاً تئوری می‌کنند و صنایع مشغول فعالیت‌های عملی و تولیدی هستند (۴)، دانش تولیدشده در دانشگاه‌ها می‌تواند یک مزیت رقابتی برای صنعت محسوب شود (۵). به عبارتی، لزوم وجود روابط مناسب صنعت و دانشگاه مطرح است که برای حفظ کارکرد و تعادل کل نظام اجتماعی ضروری است (۶). به علاوه، ارتباط دانشگاه و صنعت در طول زمان شکل می‌گیرد، برگرفته از نیازها و ضرورت‌های ملی در

دوره‌های تاریخی، اهداف کاربردی و سمت و سوی مرتبط با آن است و تنها در صورت تعامل پایدار بین این دو نهاد، توسعه صنعتی و متعاقب آن، توسعه اقتصادی و اجتماعی را می‌توان انتظار داشت. ارتباط صحیح و مؤثر دانشگاه و صنعت می‌تواند موجب افزایش نوآوری و انتقال دانش و تکنولوژی گردد (۷). بدیهی است این ارتباط می‌تواند توسعه امور دیگر را نیز به ارمغان آورد. به عبارت دیگر، دانشگاه‌ها در محیطی بسته به فعالیت نپرداخته‌اند و تلاش شده با برقراری ارتباط با جامعه به حل مشکلات مختلف آن کمک کنند.

ارتباط دانشگاه و صنعت در ایران از زمان تأسیس دانشگاه تهران (۱۳۱۳) آغاز شد. در دوره اول (۱۳۱۳-۱۳۴۰) تعامل دانشگاه و صنعت، مبتنی بر آموزش و هماهنگ‌سازی دانشگاه‌ها با صنایع وارداتی جدید و ایجاد رشته‌های دانشگاهی مورد نیاز صنایع تازه‌تأسیس بود. در دوره دوم (۱۳۴۰-۱۳۶۰) کارآموزانی از دانشگاه برای آشنایی با فناوری‌های وارداتی جدید به شرکت‌های صنعتی دولتی فرستاده می‌شدند. در دوره سوم (۱۳۶۰-۱۳۷۴) دولت تلاش کرد مبنای تعامل دانشگاه و صنعت را علاوه بر آموزش، به پژوهش نیز گسترش دهد. در دوره چهارم، یعنی از سال ۱۳۷۴ به بعد، دولت کوشید مبنای جدید توسعه فناوری را برای تعامل دانشگاه و صنعت، از طریق تأسیس شهرک‌ها و پارک‌های علم و فناوری و مراکز رشد، ایجاد کند (۸). با وجود این، روند طی شده نشان می‌دهد که شکل‌گیری ارتباط دانشگاه و صنعت در ایران در گذر زمان، پایه‌ریزی اصولی و زیربنای اساسی نداشته و محتوا و سمت‌وسوی این ارتباط، هدفمند نبوده است (۹). برای نمونه، در حوزه‌های غیرورزشی مشکلاتی گزارش شده است، از جمله: پژوهش‌محور نبودن دانشگاه‌ها، منظور نکردن فعالیت‌های صنعتی در ارتقای اعضای هیئت علمی، دریافت حق بالاسری زیاد از فعالیت‌های صنعتی اعضای هیئت علمی، جایگاه سازمانی ضعیف ارتباط دانشگاه و صنعت (۱۰)، هماهنگ نبودن مراکز تحقیقات دانشگاهی با مراکز صنعتی، فقدان ارتباط میان سیاست‌های راهبردی بخش صنعت با سیاست‌های راهبردی تحقیقات دانشگاهی، نامناسب بودن سیاست‌های کلان پژوهشی کشور، شناخت ناکافی مراکز تحقیقات دانشگاهی از مسائل و مشکلات مراکز صنعتی، تفاوت فرهنگ سازمانی مراکز تحقیقات دانشگاهی با صنایع و اعتماد نداشتن مراکز صنعتی به کاربردی بودن تحقیقات دانشگاهی (۲)، ناآشنایی مسئولان بخش صنعت با توانایی‌های دانشگاه و ناآشنایی کارکنان دانشگاه با مشکلات بخش صنعت (۱۱)، موانع قانونی، موانع فرهنگی، تقاضامحور نبودن پروژه‌های دانشگاهی، ناکارآمدی دوره‌های کارآموزی و تناسب نداشتن رشته‌های دانشگاهی با نیاز صنایع (۱۲)، پایین‌تر از حد متوسط بودن فعالیت‌های ارتباطی این دو بخش (۱۳)، ناکارآمدی ساختارها و قوانین و فرایندها، نبود فضای رقابتی، فقدان باور و اعتماد متقابل،

شکاف اهداف و نیازمحور نبودن تحقیقات (۹) و نبود فرایند مدیریتی برای ارتباط دانشگاه و صنعت (۱۴). در این خصوص این دیدگاه وجود دارد که ضعیف بودن ارتباط دانشگاه و صنعت در کشور، علاوه بر دلایل ساختاری‌ای که به اصل وجودی دانشگاه‌ها و صنایع و نیز وابسته نبودن آنها به یکدیگر و ساختارهای کلان اقتصادی، صنعتی، اجتماعی و فرهنگی برمی‌گردد، از نبود حلقه‌های واسط و وجه مشترک و فرایند مدیریتی حاکم بر ارتباط این دو بخش در سطوح کلان و خرد نیز ناشی می‌شود (۱۴).

صنعت ورزش عبارت است از هرگونه فعالیت، تجربه، فعالیت‌های شرکت‌های تجاری در زمینه ایجاد تناسب اندام، تفریح، فعالیت‌های قهرمانی و اوقات فراغت. به طور کلی، صنعت ورزش از حوزه‌های دولتی، تجاری و داوطلبی تشکیل شده است. این صنعت یکی از بزرگترین و سریع‌ترین صنایع در حال رشد در دنیاست که تبادلات مالی آن چندصد میلیارد دلار است (۱۵). به عنوان نمونه، در توسعه ورزش قهرمانی مواردی از قبیل حمایت مالی از ورزش، رویکرد منسجم تدوین سیاست‌های کلان ورزش، شرکت در ورزش، شناسایی و پرورش استعداد در ورزش، مسیر ورزشی و حمایت پس از دوران قهرمانی ورزشکاران، تسهیلات تمرینی، مربیگری، رقابت‌های ملی و بین‌المللی، تحقیقات علمی و نوآوری مطرح است (۱۶). در همین راستا استرالیا به نوآوری، تحقیق و بهبود محیط تمرینی ورزشکاران و ایجاد تغییرات مطلوب در مؤسسه‌ها و آکادمی‌های ورزش مبادرت کرده است (۱۷). این موضوع حاکی از گستردگی صنعت ورزش است و در آن فعالیت‌های علمی و تحقیقاتی جایگاه ویژه‌ای دارند که به نوبه خود مستلزم ارتباط آن صنعت با مراکز آموزش عالی است.

ارتباط دانشگاه و ورزش، بخشی از الگوی کلی دانشگاه و صنعت، یا در راستای آن است. همکاری‌های دانشگاه و صنعت می‌تواند با سرمایه‌گذاری بخش صنعت و تولید علم در دانشگاه، منجر به ارتقای پژوهش‌ها، اختراعات و فناوری گردد. دولت نیز از طریق ایجاد ساختارهای انگیزش می‌تواند به برقراری این ارتباط کمک کند (۱۸). در همین رابطه گزارش شده است که مزایایی که بخش تولیدی صنعت ورزش به دست آورده، مهم‌ترین عامل ایجاد ارتباط این بخش با دانشگاه بوده است (۱۹). با وجود این، همانند صنایع دیگر، به نظر می‌رسد مشکلاتی در زمینه ارتباط صنعت ورزش و مؤسسات و مراکز عالی وجود داشته باشد که آگاهی‌نداشتن این دو بخش از توانمندی‌ها و مشکلات یکدیگر، از جمله این مشکلات است (۲۰)؛ همچنین مشکلاتی از قبیل موانع قانونی، فرهنگی، نیازمحور نبودن پروژه‌های دانشگاهی، هماهنگ نبودن رشته‌های دانشگاهی و نیازهای صنایع، ناکارآمدی دوره‌های کارورزی، ضعف ادراک مشترک مدیران دانشگاه و صنعت از یکدیگر، تخصصی نبودن رشته‌های تحصیلی، نیازمحور نبودن

پروژه‌های دانشگاهی، فقدان دوره‌های آموزشی با کیفیت مطلوب، ناکارآمدی خط‌مشی‌های کلان کشور، کاربردی نبودن پروژه‌های دانشگاهی، ناکافی بودن رشته‌های تحصیلی متناسب با نیازهای صنعت، ضعف دفاتر ارتباط با صنعت در دانشگاه‌ها، ضعف واحدهای تحقیق و توسعه، و کاهش و کمبود بودجه پژوهشی (۲۱)، فقدان واحد مناسب در جایگاه‌ها (چارت‌ها)ی سازمانی در راستای تعامل با محیط مقابل و نیز فقدان تعامل مناسب بین محیط دانشگاهی و بخش اجرایی ورزش کشور به دلایل متعدد ساختاری و برنامه‌ای (۲۲) در این حوزه گزارش شده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در تحقیقات گزارش شده، بیشتر به بررسی ارتباط مؤسسه‌های آموزش عالی و صنعت در حوزه‌های غیرورزشی پرداخته شده است. به علاوه، تحقیقات بسیار محدودی در زمینه ارتباط آموزش عالی با صنعت ورزش گزارش شده است که آنها هم فقط به بخش تولیدی صنعت ورزش و مشکلات پژوهشی آن پرداخته‌اند و تحقیقی در مورد موانع و راهکارهای مؤسسات آموزش عالی و صنعت ورزش در داخل کشور ارائه نشده است.

ورزش از نهادهای مهم اجتماعی است و دانشگاه‌ها مهم‌ترین نهاد برای بررسی علمی مسائل ورزش به حساب می‌آیند، به طوری که میزان و چگونگی ارتباط این دو نهاد با یکدیگر، موفقیت یا شکست برنامه‌های توسعه ورزش کشور را تعیین می‌کند (۲۲). انواع سازمان‌های دولتی و غیردولتی‌ای که به صنعت ورزش اشتغال دارند، در استان مرکزی نیز فعالیت می‌کنند؛ همچنین در این استان، مؤسسات و مراکز آموزش عالی گوناگونی وجود دارند که دانشگاه‌های اصلی، گروه‌ها و بخش‌های تربیت بدنی نیز دارند و از پتانسیل بالایی برای کمک به صنعت ورزش استان برخوردارند. با وجود این به نظر می‌رسد ارتباط این دو بخش در حد انتظار نیست و مشکلاتی در این زمینه وجود دارد. شناخت موانع ارتباط در این زمینه می‌تواند به تعیین راهکارهایی برای کاهش یا رفع آنها و به تبع آن، به توسعه ارتباطات و استفاده مناسب از ظرفیت‌های مؤسسات آموزش عالی و صنعت ورزش، و در نهایت به رشد و توسعه ورزش استان مرکزی بینجامد. بر این اساس، در این تحقیق تلاش شده به این پرسش‌ها پاسخ داده شود که موانع ارتباط این دو بخش چیست و راهکارهای کاهش یا رفع آنها کدامند؟

### روش‌شناسی

این تحقیق از نوع تحقیقات توصیفی است که به صورت پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری تحقیق شامل همه استادان دانشگاهی شاغل در حوزه تربیت بدنی مؤسسات آموزش عالی و نیز مدیران اجرایی و کارشناسان سازمان‌های ورزشی دولتی و غیردولتی استان مرکزی

بوده است. با توجه به فقدان آمار مشخص و نیز نامعلوم بودن واریانس جامعه، برای تعیین حجم نمونه مورد نیاز تحقیق از فرمول برآورد حجم نمونه (نامعلوم بودن جامعه آماری و واریانس جامعه) استفاده شده است (۲۳). بدین منظور، در یک مطالعه راهنما برای شناسایی موانع، نسبت افراد موافق با پرسش‌ها ۰/۷۷ و نسبت مخالف ۰/۲۳ به دست آمد و با در نظر گرفتن سطح خطای پنج درصد و Z برابر ۱/۹۶، میزان حجم نمونه برابر ۲۷۳ نفر برآورد شد (جدول ۱).

$$n = \frac{z^2 p(1 - p)}{d^2}$$

$$P = 0.23, 1 - P = 0.77, Z = 1.96, D = 0.05$$

$$1/96 \times 1/96 \times 0.23 \times 0.77 : 0.05 \times 0.05 = 273$$

جدول ۱- نمونه آماری در بخش اول تحقیق

ردیف	مؤسسات آموزش عالی		حوزه ورزش استان	صنعت ورزش	
	تعداد نمونه در بخش اول	تعداد نمونه در بخش دوم		تعداد نمونه در بخش اول	تعداد نمونه در بخش دوم
۱	دانشگاه‌های دولتی	۴۴	اداره کل ورزش و جوانان و بخش‌های تابعه	۳۸	۲۰
۲	دانشگاه‌های آزاد	۱۵	هیئت‌های ورزشی	۶۳	۳۲
۳	دانشگاه‌های پیام نور	۱۵	سازمان‌های دولتی دارای تشکیلات ورزشی	۲۵	۱۲
۴	دانشگاه علمی کاربردی	۱۷	بخش خصوصی فعال در حوزه ورزش	۳۵	۱۶
۵	-	-	باشگاه‌های ورزشی	۱۵	۷
۶	-	-	رسانه‌های فعال در حوزه ورزش	۶	۳
-	جمع	۹۱	جمع	۱۸۲	۹۰

به علاوه، پس از تدوین پرسشنامه تعیین راهکارها، در یک مطالعه راهنما، نسبت افراد موافق با پرسش‌ها ۰/۹۷ و نسبت افراد مخالف ۰/۰۳ بود و با در نظر گرفتن سطح خطای پنج درصد و Z برابر ۱/۹۶، میزان حجم نمونه ۱۳۵ نفر برآورد شد (جدول ۱).

$$P = 0.97, 1 - P = 0.03, Z = 1.96, D = 0.05$$

$$1/96 \times 1/96 \times 0.97 \times 0.03 : 0.05 \times 0.05 = 135$$

برای جمع‌آوری داده‌ها ابتدا از پرسشنامه محقق ساخته موانع ارتباط مؤسسات آموزش عالی و صنعت ورزش استفاده شد. برای بررسی روایی این ابزار، پرسشنامه به ده نفر از استادان دانشگاه

و متخصصان ورزش داده شد که با ارائه نظرات خود و ایجاد اصلاحاتی در نگارش، ضرورت، وضوح، سادگی، ابهام، مرتبط بودن و تجانس گویه‌ها با اهداف تحقیق، روایی صوری و محتوایی، آنها را بررسی و تأیید کردند. این پرسشنامه شامل ۳۲ گویه در هفت مؤلفه اداری و اجرایی (۴ گویه)، آموزشی (۵ گویه)، پژوهشی (۴ گویه)، ساختاری (۳ گویه)، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی (۳ گویه)، فرهنگی (۸ گویه) و قانونی (۵ گویه) بود. این گویه‌ها بر اساس مبانی نظری، پیشینه تحقیق و نیز بحث و تبادل نظر با متخصصان مؤسسات آموزش عالی و صنعت ورزش استان مشخص شدند. برای کمی‌کردن وضعیت پاسخ‌های پرسشنامه، از مقیاس‌های پنج‌ارزشی «لیکرت» استفاده شد، به طوری که برای پاسخ‌های کاملاً موافقم، موافقم، نظری ندارم، مخالفم و کاملاً مخالفم، به ترتیب نمرات ۵، ۴، ۳، ۲، و ۱ اختصاص داده شد. برای بررسی روایی سازه پرسشنامه موانع ارتباط بین دو بخش، از تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی استفاده شد. نتایج آزمون تحلیل عاملی اکتشافی حاکی از این بود که همه گویه‌ها از بار عاملی بالاتر از ۰/۳ برخوردار بودند و در نتیجه تأیید شدند. همچنین، در مورد موانع ارتباط، همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، ضریب KMO از ۰/۷ بیشتر است؛ بنابراین، اندازه نمونه‌ها برای تحلیل عاملی مناسب است. به علاوه، با توجه به اینکه میزان آزمون بارتلت از ۰/۰۵ کوچکتر است، از این رو، گویه‌ها ارتباط معناداری در ایجاد مبنایی معقول برای تجزیه و تحلیل موانع ارتباط دارند و قابل تأیید هستند ( $KMO = 0.799, P = 0.001$ ). برای بررسی پایایی پرسشنامه، ۳۰ پرسشنامه بین آزمودنی‌هایی که در تحقیق اصلی نیز شرکت داده نشدند، توزیع و جمع‌آوری شد که پایایی آن برابر ( $0.843 =$ ) به دست آمد.

جدول ۲- نتایج روایی سازه ابزارهای تحقیق

عوامل بررسی شده	شاخص KMO	خی دو	درجه آزادی	آزمون بارتلت
پرسشنامه موانع ارتباط بین دو بخش	۰/۷۹۹	۱۹۵۹	۴۹۶	۰/۰۰۱
پرسشنامه راهکارهای توسعه ارتباط بین دو بخش	۰/۸۲۷	۲۸۸۶	۹۰۳	۰/۰۰۱

پس از به انجام رسیدن مرحله اول تحقیق و بر اساس موانع مشخص شده، پرسشنامه راهکارهای توسعه ارتباط مؤسسات آموزش عالی و صنعت ورزش استان تهیه شد و چون شناخت لازم از جامعه آماری وجود نداشت، تصمیم گرفته شد که تحقیق در دو مرحله انجام شود. به عبارتی، پس از گردآوری داده‌ها از طریق پرسشنامه موانع ارتباط (مرحله اول)، پرسشنامه راهکارهای

توسعه ارتباط بین دو بخش (مرحله دوم) تدوین شد. در این خصوص، همه مراحل ذکر شده در مورد «پرسشنامه موانع» برای تدوین «پرسشنامه راهکارهای توسعه ارتباط بین دو بخش» نیز در نظر گرفته شد و روایی صوری و محتوایی و روایی سازه آن ( $KMO = 0/827, P = 0/001$ ) نیز تأیید شد (جدول ۲). این پرسشنامه شامل ۴۳ گویه در هفت مؤلفه اداری و اجرایی (۷ گویه)، آموزشی (۷ گویه)، پژوهشی (۶ گویه)، ساختاری (۴ گویه)، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی (۵ گویه)، فرهنگی (۵ گویه) و قانونی (۹ گویه) بود. پایایی این پرسشنامه نیز برابر  $0/858 = \alpha$  به دست آمد.

پرسشنامه موانع، پس از برآورد حجم نمونه، به طور تخمینی و به صورت تصادفی طبقه‌ای سهمیه‌ای بین نمونه آماری توزیع شد و میزان پرسشنامه‌های برگشتی، ۲۱۱ مورد، یعنی  $77/3$  درصد بود که از آن میان، ۱۹۶ پرسشنامه، یعنی  $71/8$  درصد آنها قابل استفاده بودند. همچنین، پرسشنامه راهکارها به طور غیرتصادفی هدفمند (افراد) که در مرحله اول شناسایی شدند و مشخص شد که از خبرگی بیشتری برای ارائه راهکار برخوردارند و صاحب‌نظر هستند) بین نمونه آماری توزیع و جمع‌آوری شد؛ تعداد پرسشنامه‌های برگشتی ۱۰۹ پرسشنامه، یعنی  $80/74$  درصد بود که از آن بین، ۱۰۱ مورد، یعنی  $74/8$  درصد آنها قابل استفاده بودند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها ابتدا از آزمون کلموگروف اسمیرنوف برای بررسی توزیع داده‌ها استفاده شد؛ نتایج این آزمون از طبیعی نبودن توزیع داده‌ها حکایت می‌کرد؛ بنابراین از آزمون‌های ناپارامتریک برای تحلیل داده‌ها استفاده شد. بر این اساس، از آمار توصیفی (شامل جداول فراوانی و درصد، نمودار، میانگین و انحراف معیار) برای نمایش داده‌ها، از آزمون دوجمله‌ای برای تعیین میزان اهمیت گویه‌ها و از آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی گویه‌ها و مؤلفه‌های اصلی در بسته نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۸ استفاده شد.

## نتایج

ویژگی‌های فردی پاسخ‌دهندگان: در بخش اول تحقیق که شامل تعیین موانع ارتباط بود،  $31/6$  درصد پاسخ‌دهندگان از مؤسسات آموزش عالی و  $68/4$  درصد آنها از صنعت ورزش بودند؛  $81/9$  درصد پاسخ‌دهندگان مرد و  $18/1$  درصد آنها زن و با میانگین سنی  $38/65$  سال با انحراف معیار  $9/11$  سال بودند که میانگین سابقه خدمت آنها  $12/76$  سال با انحراف معیار  $8/7$  سال بود که  $13/6$  درصد به صورت قراردادی،  $20$  درصد به صورت پیمانی،  $18/6$  درصد به صورت رسمی آزمایشی،  $44/3$  درصد به صورت رسمی قطعی و  $3/5$  درصد به روش‌های دیگر در استخدام سازمان‌های محل خدمت خود بودند؛  $19/4$  درصد مدرک دیپلم،  $12/9$  درصد مدرک کاردانی،  $39/4$  درصد مدرک کارشناسی،  $22/6$  درصد مدرک کارشناسی ارشد و  $5/8$  درصد



مدرک دکتری داشتند؛ تحصیلات ۴۶/۳ درصد پاسخ‌دهندگان در رشته تربیت بدنی و ۵۳/۷ درصد آنها در رشته‌های دیگر بود؛ از نظر جایگاه شغلی هم ۷۲/۹ درصد کارشناس، ۱۸/۱ درصد مدیر و ۹ درصد هیئت علمی دانشگاه و با میانگین سابقه مدیریتی ۸/۶ سال با انحراف معیار ۷/۰۲ سال بودند.

در بخش دوم تحقیق که شامل تعیین راهکارهای ارتباط بود، ۳۱/۶ درصد پاسخ‌دهندگان از مؤسسات آموزش عالی و ۶۸/۴ درصد آنها از صنعت ورزش بودند؛ ۶۷/۸ درصد پاسخ‌دهندگان مرد و ۳۲/۲ درصد آنها زن و با میانگین سنی ۳۷/۹۴ سال با انحراف معیار ۹/۳۵ سال بودند که میانگین سابقه خدمت آنها ۱۳/۰۴ سال با انحراف معیار ۸/۵۶ سال بود؛ ۴۴/۴ درصد به صورت قراردادی، ۸/۶ درصد به صورت پیمانی، ۸/۶ درصد به صورت رسمی آزمایشی، ۳۰/۹ درصد به صورت رسمی قطعی و ۷/۵ درصد نیز به روش‌های دیگر در استخدام سازمان‌های محل خدمت خود بودند؛ ۱۳/۸ درصد مدرک کاردانی، ۴۴/۸ درصد مدرک کارشناسی، ۳۳/۴ درصد مدرک کارشناسی ارشد و ۸ درصد مدرک دکتری داشتند؛ ۶۵/۴ درصد پاسخ‌دهندگان در حوزه تربیت بدنی و ۳۴/۶ درصد آنها در رشته‌های دیگر تحصیل کرده بودند؛ ۶۱/۳ درصد آنها کارشناس، ۲۶/۷ درصد مدیر و ۱۲ درصد عضو هیئت علمی دانشگاه و با میانگین سابقه مدیریتی ۱۲/۸۴ سال با انحراف معیار ۷/۰۴ سال بودند.

موانع اصلی ارتباط مراکز آموزش عالی و صنعت ورزش: این موضوع در جدول ۳ نشان داده شده است. طبق نتایج آزمون فریدمن ( $P=0/001$ ;  $\chi^2=1054$ ) تفاوت رتبه مؤلفه‌های اصلی، معنادار بود، یعنی این موانع، درجه اهمیت متفاوتی دارند و باید بر حسب اولویت برای کاهش یا رفع آنها تلاش شود.

جدول ۳- رتبه‌بندی موانع اصلی ارتباط مؤسسات آموزش عالی و صنعت ورزش

ردیف	نوع موانع	رتبه میانگین
۱	موانع فرهنگی	۶/۹۷
۲	موانع قانونی	۵/۳۹
۳	موانع آموزشی	۵/۳۵
۴	موانع پژوهشی	۳/۵۸
۵	موانع اداری و اجرایی	۳/۵۵
۶	موانع ساختاری	۱/۶۲
۷	موانع سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی	۱/۵۴

موانع ارتباط بین صنعت ورزش و مراکز آموزش عالی استان مرکزی: پیش از پرداختن به موانع و راهکارها، شایان ذکر است که تمامی گویه‌ها با استفاده از آزمون دوجمله‌ای بررسی شده‌اند و

همه گویه‌های پرسشنامه‌ها، جز گویه شماره ۸ موانع ( $P=0/100$ )، از نظر پاسخ‌دهندگان با اهمیت بودند ( $P<0/05$ ).

۱. موانع و راهکارهای فرهنگی: این موضوع در جدول ۴ نشان داده شده است. طبق نتایج آزمون فریدمن، تفاوت رتبه موانع ( $P=0/001$ ؛  $\chi^2=37/4$ ) و نیز تفاوت رتبه راهکارها ( $P=0/017$ ؛  $\chi^2=12/03$ ) معنادار بود، یعنی درجه اهمیت متفاوتی دارند و باید بر حسب اولویت برای رفع موانع و اجرای راهکارهای مهم‌تر تلاش شود.

جدول ۴- موانع و راهکارهای فرهنگی ارتباط مؤسسات آموزش عالی و صنعت ورزش

رتبه میانگین	گویه	ردیف
۴/۴۰	مقاومت برخی افراد در مقابل تغییرات مثبت علمی در ورزش استان	۱
۴/۲۸	ضعف فرهنگ تحقیق در بین مدیران صنعت ورزش استان	۲
۴/۲۸	واگذاری فعالیت‌های علمی حوزه صنعت ورزش استان به برخی افراد بر مبنای باند و رانت	۳
۳/۹۲	فقدان تعهد کافی مؤسسات آموزش عالی به توسعه ورزش استان	۴
۳/۸۱	حاکمیت مسائل سیاسی در برقراری ارتباط صنعت ورزش با مؤسسات آموزش عالی استان	۵
۳/۷۹	زبان متفاوت در زمینه موضوعات علمی بین صنعت ورزش و مؤسسات آموزش عالی استان	۶
۳/۵۴	اعتماد ناکافی مدیران صنعت ورزش به یافته‌های پژوهشی مؤسسات آموزش عالی استان	۷
۳/۳۳	بهره‌گیری از توانمندی همه مؤسسات آموزش عالی استان برای توسعه ورزش استان	۱
۳/۰۵	ترویج روحیه پژوهش‌محوری در بین مسئولان صنعت ورزش استان	۲
۲/۹۷	انجام فعالیت‌های علمی مشترک بین صنعت ورزش و مؤسسات آموزش عالی استان	۳
۲/۹۰	ارائه و انتشار دست‌آوردهای علمی و پژوهشی به گونه‌ای که برای حوزه صنعت ورزش استان نیز قابل درک باشد	۴
۲/۷۴	کاهش محافظه‌کاری برخی مدیران ورزش استان در خصوص تحقیقات و نتایج آنها	۵

۲. موانع و راهکارهای ساختاری: این موضوع در جدول ۵ نشان داده شده است. طبق نتایج آزمون فریدمن، تفاوت رتبه موانع ( $P=0/498$ ؛  $\chi^2=1/4$ ) معنادار نبود؛ به عبارت دیگر از نظر پاسخ‌دهندگان، موانع ساختاری اولویت خاصی نداشتند. یعنی این موانع، درجه اهمیت یکسانی دارند و باید برای کاهش یا رفع آنها تلاش شود. از سوی دیگر، طبق نتایج آزمون فریدمن ( $P=0/001$ ؛  $\chi^2=16/18$ )، تفاوت رتبه راهکارها معنادار بود؛ یعنی از درجه اهمیت متفاوتی برخوردارند و باید بر حسب اولویت برای رفع موانع تلاش شود.

جدول ۵- موانع و راهکارهای ساختاری ارتباط مؤسسات آموزش عالی و صنعت ورزش

رتبه میانگین	گویه	ردیف	
۲/۰۴	تعریف‌نشدن وظایف اعضای هیئت علمی مؤسسات آموزش عالی برای فعالیت در صنعت ورزش استان	۱	موانع
۲/۰۲	کم‌توجهی به خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی در مؤسسات آموزش عالی استان	۲	
۱/۹۵	فقدان متولی اصلی برقراری ارتباط و نظارت بر آن در صنعت ورزش و مؤسسات آموزش عالی استان	۳	
۲/۷۱	ایجاد کمیته برقراری ارتباط با مؤسسات آموزش عالی در حوزه صنعت ورزش استان	۱	راهکارها
۲/۶۱	ترغیب خلاقیت و نوآوری در حوزه تربیت بدنی مؤسسات آموزش عالی استان	۲	
۲/۵۰	ترغیب کارآفرینی ورزشی در مؤسسات آموزش عالی و صنعت ورزش استان	۳	
۲/۱۸	ارتقای جایگاه صنعت ورزش در پارک علم و فناوری استان	۴	

۳. موانع و راهکارهای آموزشی: این موضوع در جدول ۶ نشان داده شده است. طبق نتایج آزمون فریدمن، تفاوت رتبه موانع ( $P=0/001$ ؛  $\chi^2=23/58$ ) و نیز تفاوت رتبه راهکارها ( $P=0/001$ ؛  $\chi^2=28/54$ ) معنادار بود؛ یعنی از درجه اهمیت متفاوتی برخوردارند و باید بر حسب اولویت، برای رفع موانع و اجرای راهکارهای مهم‌تر تلاش شود.

جدول ۶- موانع و راهکارهای آموزشی ارتباط مؤسسات آموزش عالی و صنعت ورزش

رتبه میانگین	گویه	ردیف	
۳/۲۸	رواج مدرک‌گرایی در مراکز آموزش عالی فعال در حوزه تربیت بدنی و علوم ورزشی	۱	موانع
۳/۱۴	کم‌توجهی صنعت ورزش استان به ارتقای مؤثر توانمندی علمی مدیران و کارشناسان خود	۲	
۲/۸۰	تناسب اندک رشته‌ها و گرایش‌های تربیت بدنی با نیازهای صنعت ورزش استان	۳	
۲/۸۱	تناسب اندک دروس و محتوای آنها با نیازهای صنعت ورزش استان	۴	
۲/۹۷	فقدان درس/دوره کارآموزی مؤثر برای دانشجویان رشته تربیت بدنی در صنعت ورزش استان	۵	
۴/۴۸	ارتقای کیفی توانمندی علمی مدیران و کارشناسان صنعت ورزش	۱	راهکارها
۴/۳۷	ارتقای کیفی توانمندی علمی کارشناسان و اعضای هیئت علمی مؤسسات آموزش عالی استان	۲	
۴/۱۷	احیا و ارائه مؤثر درس کارآموزی به دانشجویان تربیت بدنی	۳	
۴/۰۷	ارتقای کیفی تعلیم و تربیت دانشجویان مقاطع مختلف تربیت بدنی	۴	
۳/۷۶	توسعه منسجم رشته‌ها و گرایش‌های تربیت بدنی بر اساس نیازهای صنعت ورزش استان	۵	
۳/۷۰	بهره‌گیری از توانمندی مدیران و کارشناسان صنعت ورزش در مؤسسات آموزش عالی استان	۶	
۳/۴۶	بازنگری دروس و سرفصل‌های رشته‌ها و گرایش‌های تربیت بدنی، متناسب با نیازهای صنعت ورزش استان با همکاری سازمان‌های مرتبط	۷	

۴. موانع و راهکارهای اداری و اجرایی: این موضوع در جدول ۷ نشان داده شده است. طبق نتایج آزمون فریدمن، تفاوت رتبه موانع ( $\chi^2 = 24/30$ ؛  $P = 0/001$ ) و نیز تفاوت رتبه راهکارها ( $\chi^2 = 14/58$ ؛  $P = 0/024$ ) معنادار بود، یعنی از درجه اهمیت متفاوتی برخوردارند و باید بر حسب اولویت برای رفع موانع و اجرای راهکارهای مهم‌تر تلاش شود.

جدول ۷- موانع و راهکارهای اداری و اجرایی ارتباط مؤسسات آموزش عالی و صنعت ورزش

رتبه میانگین	گویه	ردیف
۲/۷۶	ناکافی بودن بودجه تحقیقات در حوزه ورزش استان	۱
۲/۵۳	فقدان اثربخشی دفاتر ارتباط دانشگاه و صنعت در دانشگاه‌ها در حوزه ورزش	۲
۲/۴۷	آگاهی روشن و دقیق نداشتن صنعت ورزش استان از مشکلات حوزه ورزش	۳
۲/۲۵	وجود روندهای پیچیده و طولانی اداری در مسیر تعامل صنعت ورزش و مؤسسات آموزش عالی استان	۴
۴/۳۲	افزایش بودجه تحقیقات در حوزه ورزش استان	۱
۴/۲۴	تسهیل و تسریع روندهای اداری تعامل صنعت ورزش و مؤسسات آموزش عالی استان	۲
۴/۰۹	بررسی بازخورد میزان اثربخشی یافته‌های پژوهشی در صنعت ورزش استان	۳
۴/۰۲	بهره‌گیری از رسانه‌های گروهی برای ترویج فعالیت‌های علمی در حوزه ورزش استان	۴
۳/۹۳	برگزاری جلسات مشترک نمایندگان صنعت ورزش و مؤسسات آموزش عالی استان	۵
۳/۹۱	اشراف صنعت ورزش استان بر مشکلات حوزه ورزش	۶
۳/۴۹	بازنگری در ساختار دفاتر ارتباط دانشگاه و صنعت در دانشگاه‌ها در حوزه ورزش	۷

۵. موانع و راهکارهای پژوهشی: این موضوع در جدول ۸ نشان داده شده است. طبق نتایج آزمون فریدمن، تفاوت رتبه موانع ( $\chi^2 = 23/05$ ؛  $P = 0/001$ ) معنادار بود، یعنی درجه اهمیت موانع، متفاوت است و باید بر حسب اولویت برای رفع آنها تلاش شود؛ از سویی دیگر، تفاوت رتبه راهکارها ( $\chi^2 = 9/03$ ؛  $P = 0/108$ ) معنادار نبود؛ به این معنا که پاسخ‌دهندگان اولویت خاصی برای هیچ‌یک از راهکارهای پژوهشی قائل نشده‌اند و این یعنی این راهکارها از درجه اهمیت یکسانی برخوردارند و باید برای اجرای آنها تلاش شود.

جدول ۸- موانع و راهکارهای پژوهشی ارتباط مؤسسات آموزش عالی و صنعت ورزش

رتبه میانگین	گویه	ردیف
۲/۷۰	کمبود امکانات و تجهیزات آزمایشگاهی برای انجام فعالیت‌های پژوهشی	۱
۲/۶۴	اجرایی نشدن یافته‌های پژوهشی در صنعت ورزش استان	۲
۲/۴۰	تعریف پایان‌نامه‌های دانشجویی بدون توجه به نیازهای واقعی صنعت ورزش استان	۳
۲/۲۷	تعریف طرح‌های تحقیقاتی مؤسسات آموزش عالی بدون توجه به نیازهای واقعی صنعت ورزش استان	۴
۳/۷۴	بهره‌گیری از یافته‌های پژوهشی مؤسسات آموزش عالی در صنعت ورزش استان	۱
۳/۵۷	افزایش سهم تحقیقات کاربردی برای صنعت ورزش در مؤسسات آموزش عالی استان	۲
۳/۵۶	افزایش و ارتقای امکانات و تجهیزات آزمایشگاهی برای انجام فعالیت‌های پژوهشی در ورزش	۳
۳/۵۳	تعریف طرح‌های تحقیقاتی مؤسسات آموزش عالی بر اساس نیازهای واقعی ورزش استان	۴
۳/۴۱	تشکیل حوزه‌های پژوهشی تخصصی در ورزش استان بر اساس رشته‌های دانشگاهی	۵
۳/۱۸	تعریف پایان‌نامه‌های دانشجویی بر اساس نیازهای واقعی ورزش استان	۶

۶. موانع و راهکارهای قانونی: این موضوع در جدول ۹ نشان داده شده است. طبق نتایج آزمون فریدمن، تفاوت رتبه موانع ( $P = ۰/۰۰۱$ ؛  $\chi^2 = ۲۴/۷۱$ ) و نیز تفاوت رتبه راهکارها ( $P = ۰/۰۰۳$ ) معنادار بود، یعنی درجه اهمیت متفاوتی دارند و باید بر حسب اولویت برای رفع موانع و اجرای راهکارهای مهم‌تر تلاش شود.

جدول ۹- موانع و راهکارهای قانونی ارتباط مؤسسات آموزش عالی و صنعت ورزش

رتبه میانگین	گویه	ردیف
۳/۱۶	کم‌توجهی به نقش علم و پژوهش در تولید محصولات و ارائه خدمات در حوزه صنعت ورزش استان	۱
۳/۱۶	جذب‌نشدن دانش‌آموختگان تربیت بدنی در بخش صنعت ورزش استان	۲
۳/۰۸	روشن نبودن سازوکار قانونی و حقوقی مشخص برای تعامل صنعت ورزش و مؤسسات آموزش عالی استان	۳
۲/۹۸	کم‌توجهی سیاست‌های کلان علمی برای توسعه ارتباط صنعت ورزش و مؤسسات آموزش عالی استان	۴
۲/۶۲	نارسایی قوانین حق مالکیت فکری در حوزه صنعت ورزش	۵
۵/۵۳	تشکیل انجمن دانش‌آموختگان تربیت بدنی و بهره‌گیری از آن برای توسعه صنعت ورزش استان	۱
۵/۴۲	مشارکت مدیران و کارشناسان صنعت ورزش در کمیته‌های تخصصی ورزشی مؤسسات آموزش عالی استان	۲
۵/۱۸	برگزاری سمینارهای مشترک بین صنعت ورزش و مؤسسات آموزش عالی استان	۳
۵/۱۷	مشارکت اعضای هیئت علمی در سیاست‌گذاری‌های کلان ورزش استان	۴
۵/۰۷	تعیین اولویت‌های پژوهشی مورد نیاز صنعت ورزش استان	۵
۴/۹۴	اعطای امتیاز ویژه به فعالان علمی	۶
۴/۶۷	ترغیب سازمان‌ها و محققان استان برای اجرای پروژه‌های تحقیقاتی در ورزش استان	۷
۴/۶۷	تشکیل کمیته کارآفرینی ورزشی استان با مشارکت سازمان‌های مرتبط	۸
۴/۳۵	تهیه بانک اطلاعاتی از محققان و تحقیقات انجام‌شده و در حال انجام در ورزش استان	۹

۷. موانع و راهکارهای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی: این موضوع در جدول ۱۰ نشان داده شده است. طبق نتایج آزمون فریدمن، تفاوت رتبه موانع ( $P = ۰/۱۹۶$ ؛  $\chi^2 = ۳/۲۶$ ) معنادار نبود، یعنی موانع ساختاری اولویت خاصی از نظر پاسخ‌دهندگان نداشته‌اند و درجه اهمیتشان یکسان است؛ بنابراین باید برای کاهش یا رفع آنها تلاش شود. از دیگر سو، تفاوت رتبه راهکارها ( $P = ۰/۰۱۱$ ؛  $\chi^2 = ۱۳/۰۶$ ) معنادار بود، یعنی از درجه اهمیت متفاوتی برخوردارند و باید بر حسب اولویت برای اجرای راهکارهای مهم‌تر تلاش شود.

جدول ۱۰- موانع و راهکارهای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در زمینه ارتباط مؤسسات آموزش عالی و صنعت ورزش

رتبه میانگین	ردیف	گویه
۲/۰۷	۱	فقدان بانک اطلاعاتی تحقیقاتی در حوزه ورزش استان
۱/۹۹	۲	فقدان فضای رقابتی برای جذب و اجرای پروژه‌های تحقیقاتی در صنعت ورزش
۱/۹۴	۳	ناهماهنگی مأموریت‌ها، راهبردها و برنامه‌های صنعت ورزش با مؤسسات آموزش عالی استان
۳/۳۲	۱	جذب دانش‌آموختگان تربیت بدنی و علوم ورزشی در بخش صنعت ورزش استان
۳/۰۱	۲	تعریف قانونی وظایف اعضای هیئت علمی، مدرسان و کارشناسان تربیت بدنی و علوم ورزشی مؤسسات آموزش عالی برای فعالیت در صنعت ورزش استان
۳/۰۰	۳	تعیین سازوکار قانونی و حقوقی برای تعامل صنعت ورزش و مؤسسات آموزش عالی استان
۳/۰۰	۴	به‌کارگیری سربازان وظیفه دانش‌آموخته رشته تربیت بدنی در صنعت ورزش استان
۲/۶۷	۵	شفاف‌سازی قوانین حق مالکیت فکری در حوزه ورزش

### بحث و نتیجه‌گیری

امروزه نیاز به برقراری ارتباط مؤثر صنعت ورزش و مؤسسات آموزش عالی کشور بیش از پیش احساس می‌شود. با وجود این، به نظر می‌رسد به علت وجود موانع مختلف، این ارتباط در حد انتظار نیست و هر بخش به صورت جزیره‌ای جداگانه مشغول به انجام فعالیت‌های خویش است. بر این اساس، تلاش شد موانع ارتباط این دو بخش در استان مرکزی بررسی شود. نتایج تحقیق نشان داد که موانع اصلی در مسیر ارتباط صنعت ورزش و مؤسسات آموزش عالی استان مرکزی به ترتیب عبارتند از: موانع فرهنگی، قانونی، آموزشی، پژوهشی، اداری و اجرایی، ساختاری، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی. این نتیجه با یافته‌های تحقیق فیض و شهابی (۱۳۸۹) و صیادی و همکاران (۲۰۱۲)، از لحاظ موانع قانونی و فرهنگی، همخوانی دارد. با توجه به اینکه موانع فرهنگی و قانونی از مهم‌ترین موانع ارتباط مؤسسات آموزش عالی و صنعت ورزش بودند - که با یافته‌های تحقیقات داخلی دیگر نیز همسو بود - به نظر می‌رسد سازمان‌های مرتبط باید به طور جدی به این موانع توجه کنند.

در مورد موانع فرهنگی، نتایج تحقیق نشان داد که مقاومت برخی افراد در مقابل تغییرات مثبت علمی در ورزش، ضعف فرهنگ تحقیق، واگذاری فعالیت‌های پژوهشی در ورزش به برخی افراد بر مبنای باند و رانت، فقدان تعهد کافی مراکز آموزش عالی به توسعه ورزش، حاکمیت مسائل سیاسی، زبان متفاوت در زمینه موضوعات و اعتماد ناکافی مدیران صنعت ورزش به یافته‌های پژوهشی، به ترتیب جزو مهم‌ترین موانع فرعی در این زمینه بوده‌اند. این نتیجه با یافته‌های تحقیقات جعفری‌نژاد و همکاران (۱۳۸۴) مبنی بر «تفاوت فرهنگ سازمانی بین

دانشگاه‌ها و صنعت و نیز فقدان اعتماد مراکز صنعتی به کاربردی بودن تحقیقات کاربردی، تحقیق ابراهیمی‌پور و همکاران (۱۳۸۶) مبنی بر «تفکر سنتی و فقدان تفکر منسجم و علمی»، و نیز تحقیق فایض و شهابی (۱۳۸۹) مبنی بر «ذهنیت رایج دانشگاهیان و صنعتگران» همخوانی دارد. از آنجا که مأموریت دانشگاه، ارتقای علم و در نتیجه ایجاد سود عمومی و اجتماعی است و مأموریت صنعت، سودآوری است، این نوع تفاوت محیط‌های کاری سبب ایجاد موانع فرهنگی به شکل گسترش تفاوت زبان و مفروضات اساسی این دو بخش می‌شود (۲۴). با وجود اینکه تغییر نگرش در حوزه فرهنگی، کاری دشوار و زمان‌بر به نظر می‌رسد، طبق نتایج این تحقیق، بهره‌گیری از توانمندی همه مؤسسات آموزش عالی برای توسعه ورزش، ترویج روحیه پژوهش محوری در بین مسئولان صنعت ورزش، انجام فعالیت‌های علمی مشترک، ارائه و انتشار دست‌آورد‌های علمی و پژوهشی به شیوه‌ای قابل‌درک‌تر برای عموم و کاهش محافظه‌کاری برخی مدیران ورزش در مورد نتایج تحقیقات، می‌تواند در کاهش و یا برطرف کردن این دسته از موانع نقش داشته باشد.

در مورد موانع قانونی، نتایج تحقیق نشان داد که کم‌توجهی به نقش علم و پژوهش در تولید محصولات و خدمات در صنعت ورزش، جذب‌نشدن دانش‌آموختگان تربیت بدنی در صنعت ورزش، روشن‌نبودن سازوکار قانونی و حقوقی مشخص و نیز کم‌توجهی سیاست‌های کلان علمی به توسعه ارتباط دوجانبه و نیز نارسایی قوانین حق مالکیت فکری در حوزه ورزش، به ترتیب، مهم‌ترین موانع فرعی در این زمینه بوده‌اند. این نتیجه با یافته‌های تحقیقات ابراهیمی‌پور و همکاران (۱۳۸۶) مبنی بر «فقدان سیاست خاص در مورد مالکیت فکری» و تحقیق باقری‌نژاد (۱۳۸۷) مبنی بر «فقدان فرایند مدیریتی برای ارتباط بین دانشگاه و صنعت» همخوانی دارد. در این زمینه دولت با حمایت از تحولات جدید و از طریق تغییر فضای قانونی و مقرراتی و ایجاد بسترهای لازم برای تعامل مراکز علمی و تحقیقاتی با صنعت، می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد (۲۵). طبق نتایج این تحقیق، تشکیل انجمن دانش‌آموختگان تربیت بدنی، مشارکت مدیران و کارشناسان صنعت ورزش در کمیته‌ها و شوراهای تخصصی ورزش مؤسسات آموزش عالی، برگزاری سمینارهای مشترک، مشارکت اعضای هیئت علمی در سیاست‌گذاری‌های کلان ورزش، تعیین اولویت‌های پژوهشی مورد نیاز صنعت ورزش، اعطای امتیاز ویژه به فعالیت‌های پژوهشی استانی در ترفیع و ارتقای اعضای هیئت علمی، ترغیب سازمان‌ها و محققان استان برای اجرای پروژه‌های تحقیقاتی در ورزش، تشکیل کمیته کارآفرینی ورزش استان و تهیه بانک اطلاعاتی تحقیقاتی ورزش استان می‌تواند در کاهش و یا برطرف کردن این دسته از موانع نقش داشته باشند.



در مورد موانع آموزشی، نتایج تحقیق نشان داد که رواج مدرک‌گرایی، کم‌توجهی صنعت ورزش به ارتقای مؤثر توانمندی علمی مدیران و کارشناسان خود، فقدان درس/دوره کارآموزی مؤثر برای دانشجویان تربیت بدنی، تناسب اندک دروس و محتوای آنها و همچنین تناسب اندک رشته‌ها و گرایش‌های تربیت بدنی با نیازهای صنعت ورزش استان، به ترتیب، مهم‌ترین موانع فرعی در این زمینه بوده‌اند. این نتیجه با یافته‌های تحقیق فیض و شهابی (۱۳۸۹) مبنی بر «فقدان کارایی دوره‌های کارآموزی و نیز فقدان تناسب رشته‌های دانشگاهی با صنایع» و تحقیق صیادی و همکاران (۲۰۱۲) مبنی بر «فقدان دوره‌های آموزشی با کیفیت خوب» همخوانی دارد. آموزش، دربرگیرنده دو مقولهٔ تعلیم و تربیت است و دانشگاه‌ها تأمین‌کننده نیروی انسانی متخصص و عاملی تعیین‌کننده برای بازآموزی و روزآمد ساختن اطلاعات حرفه‌ای بخش صنعت و دولت هستند (۹). همکاری صنعت و دانشگاه سبب به‌روز ماندن دانش و تکنولوژی صنعت می‌شود و دانشگاه نیز با استفاده از منابع صنعت، نظام آموزشی خود را ارتقا می‌دهد (۲۴). طبق نتایج تحقیق، ارتقای کیفی توانمندی علمی منابع انسانی هر دو بخش، احیا و ارائهٔ مؤثر درس/دوره کارآموزی برای دانشجویان تربیت بدنی، ارتقای کیفی تعلیم و تربیت دانشجویان مقاطع مختلف تربیت بدنی، توسعهٔ منسجم رشته‌ها و گرایش‌های تربیت بدنی بر اساس نیازهای صنعت ورزش، بهره‌گیری از توانمندی مدیران و کارشناسان صنعت ورزش در مؤسسات آموزش عالی و بازنگری دروس و سرفصل‌های رشته‌ها و گرایش‌های تربیت بدنی می‌تواند در کاهش و یا برطرف کردن این دسته از موانع نقش داشته باشد.

در مورد موانع پژوهشی، نتایج تحقیق نشان داد که کمبود امکانات و تجهیزات آزمایشگاهی، اجرایی‌نشدن یافته‌های پژوهشی در ورزش و تعریف‌شدن پایان‌نامه‌ها و طرح‌های پژوهشی، بدون توجه به نیازهای واقعی صنعت ورزش، به ترتیب، مهم‌ترین موانع فرعی در این زمینه بوده‌اند. این نتیجه با یافته‌های تحقیقات فیض و شهابی (۱۳۸۹) و صیادی و همکاران (۲۰۱۲) مبنی بر «نیازمحور نبودن پژوهش‌های دانشگاهی» همخوانی دارد. اصولاً تحقیقات در مرزهای دانش، بیشتر در حوزهٔ عمل دانشگاه‌هاست. اگرچه مراکز تحقیق و توسعه نیز به تولید علم می‌پردازند، نقش کلیدی در تحقیقات بنیادی بر عهده دانشگاه‌هاست و آنها از این طریق می‌توانند بخش عمدهٔ نیازهای مراکز تحقیق و توسعه را تأمین و در نتیجه، فرایند تبدیل علم به تکنولوژی را سرعت دهند (۹). همچنین، دانشگاه با انتقال دانش، بازآموزی پژوهشگران و کارشناسان صنعت، اجرای پروژه‌های تحقیقاتی و ارائهٔ مشاوره می‌تواند نقش مؤثری داشته باشد (۱). طبق نتایج تحقیق، افزایش سهم صنعت ورزش در تحقیقات کاربردی، افزایش و ارتقای امکانات و تجهیزات آزمایشگاهی، تعریف طرح‌های تحقیقاتی و پایان‌نامه‌های دانشجویی بر

اساس نیازهای واقعی ورزش، بهره‌گیری از یافته‌های پژوهشی در صنعت ورزش و نیز تشکیل حوزه‌های پژوهشی تخصصی در ورزش استان می‌توانند در کاهش و یا برطرف کردن این دسته از موانع نقش داشته باشند.

در مورد موانع اداری و اجرایی، نتایج تحقیق نشان داد ناکافی بودن بودجه تحقیقات در حوزه ورزش، اثربخش نبودن دفاتر ارتباط دانشگاه و صنعت در حوزه ورزش، فقدان تعریف روشن و دقیق از مشکلات صنعت ورزش و وجود روندهای پیچیده و طولانی اداری برای تعاملات سازمانی، به ترتیب، مهم‌ترین موانع فرعی در این زمینه بوده‌اند. این نتیجه با یافته‌های تحقیقات جعفری‌نژاد و همکاران (۱۳۸۴) مبنی بر «شناخت ناکافی دانشگاه‌ها از مشکلات صنعت»، تحقیق ابراهیمی‌پور و همکاران (۱۳۸۶) مبنی بر «ناآشنایی مسئولان صنعت از توانایی‌های دانشگاه و نیز ناآشنایی کارکنان دانشگاه با مسائل بخش صنعت»، تحقیق فیض و شهبابی (۱۳۸۹) مبنی بر «ناکافی بودن بودجه تحقیقات و ضعف دفاتر ارتباط با صنعت در دانشگاه‌ها» و تحقیق صیادی و همکاران (۲۰۱۲) مبنی بر «کاهش و کمبود بودجه پژوهشی» همخوانی دارد. سازمان‌هایی که روندهای رسمی زیادی دارند (بسیار بوروکراتیک هستند)، مانع انتقال دانش و ایده‌های جدید می‌شوند (۲۶). برای مدیریت فرایندهای اجرایی باید یک نگرش سازمان‌یافته اتخاذ شود تا بتوان ورودی‌ها و خروجی‌های مرتبط با فرایندها را به‌خوبی تعیین و بازخورد آنها را مطالعه کرد (۲۷). طبق نتایج تحقیق، افزایش بودجه تحقیقات در حوزه ورزش، تسهیل و تسریع روندهای اداری تعاملات بین‌سازمانی، کسب بازخورد از میزان اثربخشی یافته‌های پژوهشی در صنعت ورزش، بهره‌گیری از رسانه‌های گروهی برای ترویج فعالیت‌های علمی در ورزش، برگزاری جلسات مشترک، شناسایی دقیق مشکلات صنعت ورزش و بازنگری در ساختار دفاتر ارتباط دانشگاه و صنعت در دانشگاه‌ها با تأکید بر ورزش می‌توانند در کاهش و یا برطرف کردن این دسته از موانع نقش داشته باشند.

در مورد موانع ساختاری، نتایج تحقیق نشان داد که تعریف‌نشدن وظایف اعضای هیئت علمی مؤسسات آموزش عالی برای فعالیت در صنعت ورزش، کم‌توجهی به خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی در مؤسسات آموزش عالی و نبود متولی اصلی برای برقراری ارتباط و نظارت بر آن در صنعت ورزش و مؤسسات آموزش عالی، جزو موانع فرعی در این زمینه بوده‌اند. این نتیجه با یافته‌های تحقیقات آراسته (۱۳۸۳) مبنی بر «جایگاه سازمانی ضعیف ارتباط دانشگاه و صنعت»، تحقیق ابراهیمی‌پور و همکاران (۱۳۸۶) مبنی بر «فقدان ساختار سازمانی مناسب» و تحقیق دستوم و همکاران (۱۳۹۲) مبنی بر موانع ساختاری در این زمینه همخوانی دارد. ماهیت متفاوت کار در صنعت و دانشگاه، برداشت متفاوت از محصول و نتیجه تحقیق و توسعه،

تغییرات ساختاری و مسئولیت‌های بخش صنعت، از موضوعات مهم ساختاری در مورد ارتباط صنعت و دانشگاه دانسته شده‌اند. وجود ساختار سازمانی مشخص در این رابطه در مؤسسات کمک می‌کند تا کارها به طور مشخص انجام و شاغلان هر دو بخش متمرکز واقع شوند (۲۴). طبق نتایج تحقیق، ایجاد کمیته برقراری ارتباط با مراکز آموزش عالی در حوزه ورزش، ترغیب خلاقیت و نوآوری و کارآفرینی و نیز ارتقای جایگاه صنعت ورزش در پارک علم و فناوری استان می‌تواند در کاهش و یا برطرف کردن این دسته از موانع نقش داشته باشند.

در مورد موانع سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، نتایج تحقیق نشان داد که فقدان بانک اطلاعاتی تحقیقات ورزشی، فقدان فضای رقابت برای جذب و اجرای پروژه‌های تحقیقاتی و ناهماهنگی مأموریت‌ها، راهبردها و برنامه‌های صنعت ورزش و مراکز آموزش عالی، جزو موانع فرعی در این زمینه بوده‌اند. این نتیجه با یافته‌های تحقیقات جعفری‌نژاد و همکاران (۱۳۸۴) مبنی بر «فقدان ارتباط میان سیاست‌های راهبردی بین دانشگاه و صنعت»، تحقیق صیادی و همکاران (۲۰۱۲) و تحقیق فایض و شهابی (۱۳۸۹) مبنی بر «ناکارآمدی خط‌مشی‌های کلان کشور» همخوانی دارد. رسیدن به اهداف هر چشم‌اندازی نیازمند برنامه‌های مناسبی است که علاوه بر تطابق با اهداف، انعطاف‌پذیر باشند و توان همسو شدن با فضای علمی و فناورانه کنونی را داشته باشد. با توجه به اینکه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای بخش‌های صنعت و دانشگاه در سطح کلان بر عهده دولت است و دولت است که از این بخش‌ها حمایت می‌کند، باید در سیاست‌گذاری‌ها به این مهم توجه شود که رشد و توسعه بخش‌های مختلف به طور متناسب و مرتبط با هم، نقش تعیین‌کننده‌ای در این زمینه دارد (۲۸). طبق نتایج تحقیق، جذب دانش‌آموختگان تربیت بدنی در صنعت ورزش، تعریف قانونی وظایف منابع انسانی مؤسسات آموزش عالی برای فعالیت در صنعت ورزش، تعیین سازوکار قانونی و حقوقی برای تعامل این دو بخش، به‌کارگیری سربازان وظیفه دانش‌آموخته تربیت بدنی در صنعت ورزش و شفاف‌سازی قوانین حق مالکیت فکری می‌تواند در کاهش و یا برطرف کردن این دسته از موانع نقش داشته باشند.

در مجموع، پیشرفت و توسعه هر کشوری بستگی به تعامل صحیح دو بخش مهم صنعت و دانشگاه دارد (۲)؛ ورزش نیز از این قاعده مستثنی نیست. ارتباط مؤثر مؤسسات آموزش عالی و صنعت ورزش برای هر استان و به‌ویژه استان مرکزی، ضرورت و اهمیت ویژه‌ای دارد. با وجود این، نتایج تحقیق نشان داد که موانع مختلفی در این زمینه وجود دارد که باعث شده‌اند هیچ‌یک از این دو بخش نتوانند از ظرفیت‌ها و توانایی‌های یکدیگر برای رشد و توسعه ورزش

استان بهره بگیرند. در این خصوص پیشنهاد می‌شود متولیان اصلی مانند دولت و سازمان‌های بالادست، مؤسسات آموزش عالی و صنعت ورزش استان، راهکارهای شناسایی شده برای هر مؤلفه را به کار گیرند تا این موانع کاهش یابند و یا برطرف شوند و این دو بخش بتوانند با توسعه تعاملات خود، به رشد، توسعه و پیشرفت ورزش استان مرکزی کمک کنند.

### تشکر و قدردانی

در پایان از همهٔ پاسخ‌دهندگان محترم - هم در بخش صنعت ورزش و هم در بخش مؤسسات آموزش عالی استان مرکزی - که با صبر و حوصله و دقت پرسشنامه‌های تحقیق را تکمیل کردند صمیمانه سپاسگزاری می‌شود.

**توضیح:** این مقاله از یک طرح پژوهشی استخراج شده است که با حمایت مالی دانشگاه اراک طبق قرارداد شماره ۹۳/۴۶۴۵ به تاریخ ۱۳۹۳/۵/۵ انجام شده است.

### منابع

۱. درویشی اسماعیل، مرنندی مریم، خطیبی مصطفی، اطاعتگر زهرا. زمینه‌های ارتباط صنعت و دانشگاه و تجارب وزارت نیرو. صنعت و دانشگاه. ۱۳۸۸؛ ۲ (۳-۴): ۸۷-۹۴.
۲. جعفرنژاد احمد، مهدوی عبدالمحمد، خالقی سروش فریبا. بررسی موانع و آرایه راهکارهای توسعه روابط متقابل صنعت و دانشگاه در ایران. دانش مدیریت. ۱۳۸۴؛ ۷۱: ۶۲ - ۴۱.
3. Afuwoqi, A., Wu, H. Promoting industry-university partnership in information technology. 2011. [www.arxiv.org/pdf/1111.1429](http://www.arxiv.org/pdf/1111.1429).
4. Meredith, S., Burkle, M. Building bridges between university and industry: theory and practice. *Education and Training*. 2008; 50(3):199-215.
5. Salter, A., Bruneel, J. Investigating the factors that diminish the barriers to university-industry collaboration. 2009; paper to be presented at the summer conference on CBS-Copenhagen Business School. Denmark, June 17-19, 2009.
۶. فیوضات ابراهیم، رضا تسلیمی تهرانی. بررسی جامعه‌شناختی رابطه دانشگاه و صنعت در ایران امروز. پژوهشنامه علوم انسانی. ۱۳۸۶؛ ۵۳: ۲۸۸-۲۶۷.
7. Rossi, F. The governance of university-industry knowledge transfer. *European journal of Innovation Management*. 2010; 13(2):135-171.
۸. سلجوقی خسرو. پارک‌ها و مراکز رشد علم و فناوری یکی از زیر ساخت‌های دسترسی به جهان سومین کنگره بین‌المللی همکاری‌های دولت دانشگاه و صنعت برای توسعه ملی. ۱۳۸۵؛ ۴: ۴۸-۳۶.

۹. شفیعی مسعود، موسوی سید عبدالرضا. تحلیل محتوای موانع، فرصت‌ها و راهکارهای توسعه ارتباط صنعت و دانشگاه در پانزده کنگره سه جانبه. دو فصلنامه نوآوری و ارزش آفرینی. ۱۳۹۲؛ ۵: ۱۹-۵.
۱۰. آراسته حمید رضا. ارتباط دانشگاه و صنعت. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی. ۱۳۸۳؛ ۱۰ (۳): ۹۸-۵۷.
۱۱. ابراهیمی پور حسین، اسماعیل زاده حمید، دهنویه رضا، جعفری سیریزی مهدی. ارزیابی وضعیت ارتباط با صنعت در دانشگاه‌های علوم پزشکی ایران. مدیریت سلامت. ۱۳۸۶؛ ۱۰ (۳۰): ۳۲-۲۵.
۱۲. فائض علی، شهابی علی. ارزیابی و اولویت‌بندی موانع ارتباط دانشگاه و صنعت (مطالعه موردی شهرستان سمنان)، فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی. ۱۳۸۹؛ ۴(۲): ۱۲۴-۹۷.
۱۳. اسماعیلی میترا، یمنی دوزی سرخابی محمد، حاجی حسینی حجت اله، کیامنش علیرضا. وضعیت ارتباط دانشکده‌های فنی-مهندسی دانشگاه‌های دولتی تهران با صنعت در چارچوب نظام ملی نوآوری. پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی. ۱۳۹۰؛ ۵۹: ۴۶-۲۷.
۱۴. باقری نژاد جعفر. سیستم ارتباط دانشگاه و صنعت برای توسعه فناوری در ایران، سازوکارها و پیشنهادهای سیاست علم و فناوری. ۱۳۸۷؛ ۱(۱): ۱۴-۱.
۱۵. پارکز ژانت بی، بیورلی آردی زنگر، جرومه کوارترمن. مدیریت معاصر در ورزش، ترجمه محمد احسانی، چاپ اول، تهران، دانشگاه تربیت مدرس. ۱۳۸۲؛ ۱۹-۱۴.
16. Bosscher, V.D., Knop P.D., Bottenburg Maarten van, Shibli Simon, Bingham Jerry. Explaining international sporting success : An international comparison of elite sport systems and policies in six countries, sport management review.2010;12: 113-136.
17. Australian government. Australian sport: the pathway to success. 2010. www.ausport.gov.au
18. Cao ,Y., Zhao, L., Chen, R. Institutional structure and incentives of technology transfer: Some new evidence from Chinese universities, Journal of Technology Management. 2009;4(1):67-84.
19. Sayadi, E., Sharifian, E., Ghahraman Tabrizi, K. Identification and prioritization of the Acquired Benefits Industry The creation Relationship with the University in Iran manufacturing sector of the sport industry. International Journal of Sport Studies. 2012; 2 (12): 255-261.
20. Sayadi, E., Sharifian, E., Ghahraman tabrizi, K. Identification and prioritization of sector of the the barriers of relation between the manufacturing sport industry and universities in Iran, International Journal of Sport Studies. 2012; 2 (5), 243-249.
21. Sayadi, E., Sharifi Moghadam, M., Irani, A.V., Mousavi gargari, S.S., Taghipour, Z. Identify and prioritize barriers of relationship industry and

University in Iran Production sector of the sport industry. International Journal of Sport Studies. 2012; 2 (12): 598- 606.

۲۲. دستوم صلاح، رضانی نژاد رحیم، بنار نوشین، رسولی رحیم. بررسی تعامل بین محیط آکادمیک و صنعت ورزش ایران بر اساس تحلیل اسناد و ساختار، پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی. ۱۳۹۲؛ ۲ (۶): ۹۱-۱۰۸.

۲۳. نوبخت محمدباقر. روش تحقیق پیشرفته. چاپ اول. تهران. پژوهشکده تحقیقات راهبردی. ۱۳۹۲؛ ۱۸۴.

۲۴. میرعلیخانی کریم، کبیری اصفهانی محمد، علی وردیلو هوشنگ. بررسی موانع همکاری صنعت و دانشگاه و معرفی یک نمونه موفق در ایران. صنعت و دانشگاه. ۱۳۸۸؛ ۲ (۴-۳): ۷۹-۷۵.

۲۵. قدیریان عباسعلی، اصیلی غلامرضا. رسالت دولت، دانشگاه و صنعت در توسعه ملی. پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی. ۱۳۸۴؛ ۳۷-۳۸، ۱۴۷-۱۲۷.

۲۶. صفری سعید، قاضی زاده مصطفی، طاهری رضا. بررسی موانع ارتباط اعضای هیات علمی با بخش صنعت در راستای تحقق دانشگاه کارآفرین. مدیریت اجرایی. ۱۳۹۲؛ ۵ (۱۰): ۱۳۴-۱۰۷.

۲۷. احمدی ترشیزی حسن، نوبخت جاوید. بررسی ارتباط بین دانشگاه، صنعت و دولت از یک دیدگاه سیستمی. فصلنامه آموزش مهندسی ایران. ۱۳۸۶؛ ۹ (۳۴): ۱۳۱-۱۱۵.

۲۸. بهرامی محسن، طاعتی مهکامه. ارتباط دولت، صنعت و دانشگاه: ایران، افق ۱۴۰۴، صنعت و دانشگاه. ۱۳۸۸؛ ۲ (۶-۵): ۲۳-۱۱.